



دانش

یخ اما داغ.....

۲۸



دانش

شبکه های خوشه مانند نانو.....

۲۸



تکنولوژی

پشتاز سیستم های امنیتی.....

۲۹



زن در اعتراض

گزارشی از قاجاق زنان ودختران

میعاد در تاریکی

الهه فراهانی

اعضای یک باند که پس از اغفال دختران و زنان با پاسپورت و ویزای جعلی آنها را به کشورهای عربی قاچاق می‌کردند، توسط پلیس دستگیر شدند. چندی پیش ماموران پلیس فرودگاه متوجه جعلی بودن پاسپورت دو دختر جوان شدند که قصد رفتن به دبی و امارات متحده عربی را داشتند. بدین ترتیب این دو دختر بازداشت شدند. این دو دختر بعد از دستگیری پرده از راز فعالیت باند قاچاق انسان برداشتند. یکی از دو دختر به نام بهاره در دادسرای فرودگاه به بازپرس گفت: چندی پیش به‌خاطر مشکلات خانوادگی از بوشهر فرار کردم و به تهران آمدم. مادرم چند سال پیش فوت کرده بود و پدر معتام می‌خواست به زور مرا به عقد مرد زدن‌داری درآورد. به‌خاطر همین من هم که نمی‌خواستم تن به ازدواج اجباری بدهم از خانه فرار کردم و به تهران آمدم. پس از ورود به این شهر بزرگ بدبختی‌هایم چندبرابر شد. نمی‌دانستم باید کجا بروم. سرپناهی نداشتم. شب‌ها در پارک می‌خوابیدم تا اینکه با دختر جوانی آشنا شدم که سرنوشتش مشابه من بود. به من گفت که بعد از فرار با زن میانسالی آشنا شده که به او جا و مکان داده است و مرا هم به آن خانه دعوت کرد. خوشحال شدم از اینکه پناهگاهی پیدا کردم. اما وقتی وارد آن خانه شدم خیلی زود فهمیدم که آن زن میانسال رئیس یک خانه فساد است که دختران و زنان را به کشورهای عربی قاچاق می‌کند. مجبور بودم آنجا بمانم. دیگر راه برگشتی نداشتم. خیلی زود ما را به فرودگاه آوردند و گفتند که باید به دبی بروید و در آنجا کار کنید، اما در فرودگاه دستگیرمان کردند و گفتند که پاسپورتمان جعلی است. . .

بعد از اعترافات این دختر جوان، ماموران موفق شدند اعضای این باند ۶نفره را دستگیر کنند. رئیس این باند قاجاق زن میانسالی به نام مهین بود. وی بعد از دستگیری اعتراف کرد که با شیوه‌های مختلف زنان و دختران را اغفال می‌کردند و آنها را به شیوخ عرب در کشورهای عربی با قیمت بسیار بالا می‌فروختند. متهمان که از راه قاچاق دختران و زنان به کشورهای عربی پول زیادی به جیب زده بودند با صدور قرار قانونی روانه زندان شدند.

■ **آن‌سوی آب‌ها**

خودش را در آینه نگاه می‌کند، از زن بودنش احساس شرم دارد. چقدر خودش را لوده می‌بیند. آنقدر که حتی راه برگشت ندارد. به یاد گذشته‌هایش می‌افتد. سه سال پیش با امید و آرزویی شیرین و زیبا، با وعده‌های رنگارنگی که دوستش مرتب در گوشش زمزمه می‌کرد، ساک کوچکش را بست و از خانه فرار کرد. با چه اعتمادی؟! آرزویش تحصیل در خارج از کشور بود. هیچ‌وقت آن شب را فراموش نمی‌کند که وقتی این موضوع را به پدرش گفت پدرش با عصبانیت به او گفت فکر به تنهایی خارج رفتن را از سرش بیرون کند. اما او طاق‌ت نیاورد. بالاخره فرزاد با وعده و وعید او را اغفال کرد از او خواست که با هم به خارج از کشور فرار کنند. دختر ساده و بیچاره گول حرف‌های پسر را خورده و شبانه وسایلش را جمع کرد و از خانه بیرون زد و به همراه فرزاد از مرز گذشت. چند روز اول به عشق پیدا کردن کار و ادامه تحصیل، غم غربت را تحمل کرد.

اما . . . دختر جوان خیلی زود فهمید تمام حرف‌های فرزاد، وعده‌هایی بیش نبوده و او در واقع برای کاری دیگر به دبی آورده شده است. فرزاد در یک باند قاچاق دختران و زنان فعالیت می‌کرد و او در دام افتاده بود. حالا خیلی خوب می‌دانست راهی برای بازگشت ندارد و اگر بخواهد زنده بماند، باید به هر کاری که از او می‌خواهند تن بدهد، او حالا در اوج جوانی احساس پوچی و

بیهودگی می‌کرد. . . برای او اینجا پایان زندگی بود.

■ **پدیده قاچاق زنان ودختران**

زمانی بود که دادوستد بین کشورهای جهان را مواد غذایی تشکیل می‌داد، اما کمی که جهان به سوی تکنولوژی پیش رفت، طلای سیاه یعنی نفت اقتصاد روز دنیا شد و دادوستد آن در بین کشورهای جهان حرف اول را می‌زد. بعد از مدتی هم بازار اسلحه داغ شد که تا به امروز هم ادامه دارد. امروزه تجارت آسانی را پیدا کرده‌اند که در دو حرف خلاصه شده است: «زن». روزی نیست که شاهد قاچاق دختران و زنان ایرانی به‌ویژه دختران فراری که برای فساد به کشورهای دیگر سفر می‌کنند و به دنبال تکه نانی هستند، نباشیم.

آمار نشان می‌دهد سود سالیانه این تجارت بالغ بر ۴ میلیارد دلار است که به جیب شبکه‌های فساد می‌رود. قـسـاقـاق زنـان پدیده‌ای جدید نیست. در ابتدای قرن بیستم زنان بریتانیای کبیر در قاره‌ها قاچاق می‌شدند و تجارت زنان آلمانی در کشورهای عربی صورت می‌گرفت. اکنون چند سالی است علاوه بر قاچاق زنان در میان کشورهای صنعتی ثروتمند و کشورهای جهان سوم، شاهد این مسئله در میان کشورهای اروپای شرقی و

مرکزی نیز هستیم. تجارت دختران و زنان خارجی در اروپا در سال ۱۹۹۰ آغاز شد. علت این امر وضع بسیار بد اقتصادی و درخواست بازارهای فحشا در اروپا برای دختران جوان بود. شمار تقریبی زنانی که در اروپای غربی قاچاق می‌شدند به ۸۰ هزار نفر رسید که امروزه این تعداد به ۱۲۰ هزار در سال رسیده است. شبکه‌های بسیار مخرب و مافیایی هر روزه تشکیل می‌شود و درآمد جاعلان ویزا و پاسپورت بسیار داغ است. این زنان مجبورند کار کنند و بدهی خود را به خریداران قاچاقچی‌شان بپردازند. یکی از معمول‌ترین نوع قاچاق انسان که به دلیل سود سرشار آن مورد توجه باندهای سازمان یافته قرار گرفته قاچاق زنان و دختران برای استفاده از آنها در مکان‌های فساد و فحشا و وادار کردن آنها به روسپیکری و بعضاً به کارگیری آنها به عنوان پیشخدمت و کارگر است. طی سال‌های اخیر، فروش غیرقانونی افراد (همانند قاچاق مواد مخدر و اسلحه) به یک تجارت پردرآمد تبدیل شده است به‌طوری که اطلاعات به‌دست آمده حاکی است بیش از ۷۳ درصد قربانیان این تجارت، دختران ۲۴ ساله و کمتر از آن هستند. براساس تعریف مجمع عمومی ملل متحد، قاچاق زنان شامل حرکت دادن غیرقانونی و مخفیانه اشخاص در عرض مرزهای ملی، عمدتاً از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار

با هدف نهایی است و اینکه برای بهره‌کشی مستمرانه از زنان و دختران از لحاظ جنسی و اقتصادی به منظور سود به کارگیرندگان است. دیگر فعالیت‌های مرتبط با قاچاق همچون کار خانگی اجباری، ازدواج دروغین، فرزندخواندگی دروغین و استخدام مخفیانه است. خرید و فروش انسان جنبه‌ای از تجارت بردگان محسوب می‌شد، پیش از جنگ جهانی دوم، تجارت انسان تحت عنوان خرید و فروش زنان سفیدپوست شناخته شده بود و زنان سفیدپوست اروپایی (به‌ویژه زنان فرانسوی) به وسیله دلالاتن برای روسپیکری به خانه‌های آمریکای جنوبی هدایت می‌شدند. معمولاً دخترانی که به دبی و امارات

عربی قاچاق می‌شوند بین ۱۰ تا ۱۷ ساله‌اند و آنها به دو صورت قاچاق می‌شوند، تعدادی از زنان و دختران به‌طور رسمی خواستگاری شده و در ازای پرداخت مبالغی به خانواده‌هایشان از مرز عبور داده می‌شوند و عده‌ای دیگر دخترانی هستند که ربوده شده و یا توسط

اعضای باند اغفال می‌شوند و بدون اجازه پدر و مادر از کشور خارج می‌شوند. اگر مردان عرب این دختران را به همسران‌شان می‌شوند و در آنجا توسط خانواده خود و یا همسرانشان به قاچاقچیان فروخته شده و از آنجا توسط این گروه‌ها برای کار در مراکز فساد کشورهای چون افغانستان و پاکستان منتقل می‌شوند.

استقبال قرار نمی‌گیرند، بنابراین به روسپیکری در کلوب‌ها و کاباره‌ها مشغول می‌شوند.

■ **دام اینترنتی**

استفاده از اینترنت روشی جدید برای اغفال دختران و زنان توسط باندهای قاچاق طی سال‌های اخیر بوده است. دلالات و قاچاقچیان انسان ابتدا از طریق چت و دادن تصویر خود با استفاده از شیوه‌های خاص طرح دوستی با این دختران را ریخته و سپس با وعده ازدواج، کار خوب و درآمد بالا آنها را به کشور مورد نظر دعوت کرده و در آنجا به قاچاقچیان تحویل می‌دهند. تحقیقات صورت گرفته درخصوص قاچاق زنان و دختران بیانگر این واقعیت تلخ است که برخی زنان و دختران توسط خانواده خود و یا همسرانشان به قاچاقچیان فروخته شده و از آنجا توسط این گروه‌ها برای کار در مراکز فساد کشورهایی چون افغانستان و پاکستان منتقل می‌شوند. بعضی مواقع هم قاچاقچیان دلال‌هایی را در مناطقی مانند پارک‌ها و مقابل مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها می‌گمارند که با این دختران طرح دوستی و آشنایی می‌ریزند و سپس آنها را به مکان‌های خاصی می‌برند و با وعده‌های خروج آسان از کشور، درآمد خوب، زندگی بهتر و یا حتی در مورد دختران کم سن و سال. گاهی به زور آنها را تا لب مرز حمل کرده و به صورت جاسازی شده قاچاق می‌کنند. همچنین

عده‌ای از دلالات در کنار سفارتخانه‌ها و ادارات کارایی، با شناسایی زنان و دختران به آنها پیشنهاد کار پردرآمد در خارج از کشور را می‌دهند و با این شیوه آنها را به کشورهای خارجی قاچاق می‌کنند. همچنین این دلالات دختران کم سن و سال برخی ساکنان روستاها را با پرداخت پول به والدینشان و با وعده زندگی بهتر به عقد خود درآورده و سپس به قاچاقچیان انسان در خارج از کشور تحویل می‌دهند. یافته‌های تحقیقی که با همکاری مرکز امور مشارکت زنان کمیته سازمان دفاع از قربانیان خشونت در سال ۸۳ انجام شده بیانگر روند رو به افزایش قاچاق زنان و دختران به کشورهای حاشیه خلیج فارس، امارات متحده عربی، پاکستان و افغانستان و به‌طور محدود به کشورهای اروپایی و آسیایی است. محمدی کارشناس اجتماعی می‌گوید: قاچاقچیان، این دختران و زنان را در خانواده‌هایی که غالباً در شرایط نابسامان اقتصادی به‌سر می‌برند، شناسایی و با معرفی خود به عنوان فردی که دارای ثروت هستند، خواستگاری می‌کنند و پس از عقد، آنها را به خانه‌های فساد در شهرهایی نظیر کویت، کراچی و. . . اعزام می‌کنند این کارشناسان به ابعاد نگران‌کننده پدیده فروش دختران توسط خانواده خود و یا شوهرانشان در شهرهای مختلف مرزی اشاره کرده و می‌گویند: مطابق بررسی‌ها قربانیان اولاً هیچ آگاهی از قاچاق شدن خود نداشته‌اند و از آنجا که ازدواج آنها به صورت موقت بوده تنها چند روز پس از ازدواج همراه با اجبار، زور، تهدید و فریب به پاکستان و افغانستان منتقل می‌شوند. نکته دوم اینکه همه قربانیان از وضعیت به وجود آمده اظهار نارضایتی کرده و خواهان بازگشت به ایران و نزد خانواده‌های خود بوده‌اند و سومین نکته این است که همه قربانیان از طریق صیغه، ازدواج کرده و عدم ثبت رسمی عقد آنها در این شکل یکی از معضلات اساسی شده است. با توجه به آمارهای رسیده سالانه ۷۰۰ میلیون تا دو میلیون زن در جهان قاچاق می‌شوند. نیروی انتظامی با انجام بررسی‌های لازم در زمینه قاچاق زنان ریشه‌ها و جوانب مختلف پدیده را شناسایی کرده و به این نتیجه رسیده است که زنان بیشتر در مراکزى مانند آرایشگاه‌ها و ویدئوکلوپ‌ها فریب می‌خورند و در این مراکز عده‌ای با دادن قول‌های کاذب برای کارایی، گرفتن کارت اقامت در خارج و قبولی در دانشگاه‌ها زنان را فریب می‌دهند. پدیده قاچاق زنان باعث افزایش روسپیکری شده است. طوری که روسپیکری هم موجب افزایش بیماری ایدز، کم شدن آمار ازدواج، افزایش سقط جنین‌های غیرقانونی و تولد کودکان خیابانی شده است. روسپیکری همچنین تعداد کودکان مجهول‌الوالد و فاقد شناسنامه را افزایش می‌دهد، این کودکان، مشکلات جسمی و روحی و روانی زیادی داشته و برای جامعه مسئله‌دار می‌شوند. این کودکان بعدها به قاچاق موادمخدر و تن‌فروشی کشیده می‌شوند. کریمی کارشناس نیروی انتظامی در مورد آمار قاچاق زنان و دختران می‌گوید: آمار دقیقی از قاچاق زنان و دختران در کشور وجود ندارد و بر اساس اطلاعات موجود هفته‌ای ۴هزار و چهارصد نفر به عناوین مختلف در مرزهای کشور در حال تردد هستند که نمی‌توان کنترلی روی آن داشت. چندی پیش

یک شبکه قاچاق دختران ایرانی به کشورهای حوزه خلیج فارس کشف شد که در این شبکه تعداد بسیاری پردرآمد در خارج از کشور را می‌دهند و با این شیوه آنها را به کشورهای خارجی قاچاق می‌کنند. همچنین این دلالات دختران کم سن و سال برخی ساکنان روستاها را با پرداخت پول به والدینشان و با وعده زندگی بهتر به عقد خود درآورده و سپس به قاچاقچیان انسان در خارج از کشور تحویل می‌دهند. یافته‌های تحقیقی که با همکاری مرکز امور مشارکت زنان کمیته سازمان دفاع از قربانیان خشونت در سال ۸۳ انجام شده بیانگر روند رو به افزایش قاچاق زنان و دختران به کشورهای حاشیه خلیج فارس، امارات متحده عربی، پاکستان و افغانستان و به‌طور محدود به کشورهای اروپایی و آسیایی است. محمدی کارشناس اجتماعی می‌گوید: قاچاقچیان، این دختران و زنان را در خانواده‌هایی که غالباً در شرایط نابسامان اقتصادی به‌سر می‌برند، شناسایی و با معرفی خود به عنوان فردی که دارای ثروت هستند، خواستگاری می‌کنند و پس از عقد، آنها را به خانه‌های فساد در شهرهایی نظیر کویت، کراچی و. . . اعزام می‌کنند این کارشناسان به ابعاد نگران‌کننده پدیده فروش دختران توسط خانواده خود و یا شوهرانشان در شهرهای مختلف مرزی اشاره کرده و می‌گویند: مطابق بررسی‌ها قربانیان اولاً هیچ آگاهی از قاچاق شدن خود نداشته‌اند و از آنجا که ازدواج آنها به صورت موقت بوده تنها چند روز پس از ازدواج همراه با اجبار، زور، تهدید و فریب به پاکستان و افغانستان منتقل می‌شوند. نکته دوم اینکه همه قربانیان از وضعیت به وجود آمده اظهار نارضایتی کرده و خواهان بازگشت به ایران و نزد خانواده‌های خود بوده‌اند و سومین نکته این است که همه قربانیان از طریق صیغه، ازدواج کرده و عدم ثبت رسمی عقد آنها در این شکل یکی از معضلات اساسی شده است. با توجه به آمارهای رسیده سالانه ۷۰۰ میلیون تا دو میلیون زن در جهان قاچاق می‌شوند. نیروی انتظامی با انجام بررسی‌های لازم در زمینه قاچاق زنان ریشه‌ها و جوانب مختلف پدیده را شناسایی کرده و به این نتیجه رسیده است که زنان بیشتر در مراکزى مانند آرایشگاه‌ها و ویدئوکلوپ‌ها فریب می‌خورند و در این مراکز عده‌ای با دادن قول‌های کاذب برای کارایی، گرفتن کارت اقامت در خارج و قبولی در دانشگاه‌ها زنان را فریب می‌دهند. پدیده قاچاق زنان باعث افزایش روسپیکری شده است. طوری که روسپیکری هم موجب افزایش بیماری ایدز، کم شدن آمار ازدواج، افزایش سقط جنین‌های غیرقانونی و تولد کودکان مجهول‌الوالد و فاقد شناسنامه را افزایش می‌دهد، این کودکان، مشکلات جسمی و روحی و روانی زیادی داشته و برای جامعه مسئله‌دار می‌شوند. این کودکان بعدها به قاچاق موادمخدر و تن‌فروشی کشیده می‌شوند. کریمی کارشناس نیروی انتظامی در مورد آمار قاچاق زنان و دختران می‌گوید: آمار دقیقی از قاچاق زنان و دختران در کشور وجود ندارد و بر اساس اطلاعات موجود هفته‌ای ۴هزار و چهارصد نفر به عناوین مختلف در مرزهای کشور در حال تردد هستند که نمی‌توان کنترلی روی آن داشت. چندی پیش



جامعه

مورخ به تاریخ پیوست.....

۳۰

نگاه

آگاه‌سازی پیش‌شرط شهروندمداری

لطیف روحانی
Rohanilatif@Yahoo.com

مقدمه: آیوی لی از پیشگامان علوم ارتباطات می‌گوید: «ما با عامه آگاه روبه‌رو هستیم.» به تعبیری دیگر به دلیل منابع اطلاعاتی متنوع و متکثر در عصر اطلاعات و ارتباطات ما با مخاطبان ناآگاه روبه‌رو نیستیم. «زمان» فشرده، «مکان» درهم تنیده، جامعه آگاه‌تر و بی‌مرزتر، ظهور و سقوط سریع‌تر و وسیع‌تر، شکل‌گیری «تفرد» در کنار «جمع» یعنی حضور افرادی بر هویت فرد- سرمایه شخصی و حرمت شهروندی خود اما با یک ویژگی جمعی، جهانی، ملی و بومی به بیان دیگر در عصر اطلاعات یعنی مدیریت یعنی زندگی در جامعه آگاه، متنوع و سرشار از اطلاعات بهترین پناه و ابزار و شیوه مدیریت «متوسل شدن به گامی» است. مسئله فراگیری در طول عمر یا از گهواره تا گور آموختن امروزه بیش از هر زمان دیگر ضرورت و اهمیت یافته است. براساس همین شعار، شهرها را باید به شهرهای آموزش‌دهنده تبدیل ساخت به نحوی که شهروند درآمد رشد روزانه در محیط کار شهری در زمان گذران اوقات فراغت در درون شهر و خلاصه از بام تا شام از شهر خود بیاموزد و در جهت ارتقای شناخت و تغییر و بهینه‌سازی نگرش خود تلاش کند.

■ **اهمیت آگاه‌سازی شهروندان**
آگاه‌سازی به معنی مطلع کردن ساکنین یک شهر در مورد حقوق وظایف آنها در محدوده فرهنگ و زندگی شهری و نشان دادن راه‌های جلب مشارکت فعال آنان در تمامی عرصه‌ها و فضاهای شهری و آموزش ساکنین در باب شیوه‌های صحیح مشارکت است. اگر قرن پیش‌رو را قرن شهرها و قرن مشارکت بنامیم به یقین شهروندان چاره‌ای جز آگاه شدن بیشتر ندارند. آنان باید نحوه دخالت در سازماندهی شهر و گردش امور روزانه شهر را بیاموزند تا بتوانند وظایف محوله را به بهترین وجه ایفا نمایند. از سوی دیگر آگاه شدن شهروندان مانع تخریب شهر، نهادهای شهری، یادمان‌های تاریخی و یافت کهنه شهر و موارد مشابه دیگر می‌شود. از دید اقتصاد شهری نیز صرفه‌های فراوان به همراه دارد، زیرا آگاه‌سازی پیش‌شرط بهینه‌سازی است.

شهروندان آگاه می‌توانند آگاهانه چرخ‌های زندگی شهری را به گردش درآورند و بر امور، نظارتی از سر بصیرت و اعتقاد و علاقه‌مندی داشته باشند. درواقع آگاه‌سازی، فقدان شناخت یا شناخت محدود و بالاخره شناخت نادرست را به شناخت، شناخت بیشتر و یا تصحیح شناخت بدل می‌سازد. طبیعتی است با دستیابی به شناخت، تغییر نگرش در شهروندان پدید می‌آید.

■ **پیش‌شرط‌های آگاه‌سازی که مدیران شهری باید بدانند**

۱- در جامعه اطلاعاتی ارتباطات نه از «ارتباط‌گیرنده بلکه از ارتباط پذیرنده» آغاز می‌شود. در واقع مخاطب آغازگر ارتباطات است و تا زمانی که شهروند چشم و گوش خود را باز نکند و شنیدن و دیدن اجباری برای آنها امکان‌پذیر نیست. ۲- هر تصمیم راهبردی در مدیریت شهری بدون پیش‌شرط آگاه‌سازی شهروندان نتیجه مطلوبی در پی نخواهد داشت، زیرا راهبردی که کسی آن را نفهمد به یقین نسبت به آن متعهد نخواهد بود و مطابق آن عمل نمی‌کند.

۳- مشارکت، پاسخی منطقی، فطری، اخلاقی و معنوی به شرایط و چالش‌های امروز است. از طرفی نباید فراموش کرد که مشارکت یک انتخاب است و مستلزم انتخاب کردن، هرکس مسئولیت انتخاب‌هایش را برعهده می‌گیرد و انتخاب مستلزم آگاهی است.

۴- آگاه‌سازی در محیطی خنثی رخ نمی‌دهد. آگاه‌سازی در چارچوب جامعه، فرآیندها و ویژگی‌های آن جریان می‌یابد. لذا برای موفقیت فرآیند آگاه‌سازی سازمان آگاهی‌دهنده (شهرداری) نخست باید از خود آغاز کند. فرآیند آگاه‌سازی فرآیندی دوسویه است که هم دربرگیرنده جمعیت هدف یا سوژه‌های آگاه‌سازی است و هم خود سازمان آگاهی‌دهنده یا این نگرش، فرآیند آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی به کارکنان و مسئولین سازمان شهرداری در باب وظایف محوله و از طرفی احترام به شهروندی و نیازهای آنان امری گریزناپذیر است. پس سازمان شهرداری را باید سازمانی یادگیرنده تعریف کرد.

توضیح

تصحیح و پوزش

دیروز در این صفحه مصاحبه‌ای با سردار بیگی فرمانده انتظامی استان فارس چاپ شد که به اشتباه تصویر شخص دیگری به جای ایشان به چاپ رسیده بود. بدین وسیله این اشتباه تصحیح می‌شود.